

## توسعه فرهنگی و ضرورت تصحیح متون

کوتاه‌ترین راه این انتقال، تنها و تنها، راه «تصحیح متون» است که خود بنیادی‌ترین ذخیره توسعه‌اند. کتابهای تولیدی نسل‌های پیشین، همان متونی هستند که نخبگان هر نسلی موظف‌اند، آنها را با رنگ و بویی آشنا برای نسل خویش، عرضه کنند تا آنان بتوانند در نهضت پیوسته جاری تجدید حیات فرهنگی خود، آنها را نقطه اتکای اهرم توسعه و پیشرفت خویش سازند.

### نخستین اولویت

همیشه ملت‌های پیشرفته، بیشترین اولویت را برای تولید کتاب، تشویق کتابخوانی و به خصوص احیای متون و تصحیح ادبی، فنی، انتقادی-تحقیقی و نقد محتوایی آنها قائل می‌باشند. خودمان نیز در سده‌های زرین شکوفایی فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامیمان چنین بوده‌ایم.

### متون، در نخستین نهضت جهانی علمی-فرهنگی

پرداختن به متون در نخستین نهضت جهانی علمی-فرهنگی که آن را مسلمانان برپا ساختند، مایه افتخار دولتها و ملت‌های مسلمان به شمار می‌رفت. ایشان در گستره جغرافیایی وسیعی، از خوارزم تا اندلس، متون را راهنمای پیشرفت فرهنگی-علمی خود می‌شمردند و بدانها با چشم عمده‌ترین شاخص توسعه می‌نگریستند و از این رو در مرکزهای پژوهشی، گنجینه‌ها و کتابخانه‌های خود، نادرترین و مشهورترین متن‌ها را، حتی با قیمت‌های گزاف، تهیه و نگهداری می‌کردند و همواره تلاششان بر این بود که متن‌ها را با خط خود مؤلفان، هر چند هزینه‌ای سنگین در برداشته باشد، فراهم سازند، تا آنها را در اختیار نخبه‌ترین فرهیختگان جامعه خود برای استنساخ، مقابله و تصحیح قرار دهند و بدین سبب شغل کتابفروشی و بازرگانی کتاب نیز پر درآمد و با رونق بود.

نگاهی به تاریخ توسعه ملت‌ها، نشان می‌دهد که در حقیقت با ابداع الفبا، کتابت و کتاب، تجلی مقام خلیفه‌الاهی نوع انسان آغاز و به خصوص با تولید کتاب، پیشرفت سریع نوع، شروع شده است و از آن زمان به بعد، دوران تاریخی از دوران ماقبل تاریخی انسان نیز مشخص گشته و از آن پس بوده که «انسان بی کتاب!» به صورت «بشر ماقبل تاریخ»، یعنی: واپسگرا باقی مانده و در نظر اقوام و ملل مبدع کتاب، برآستی، موجودی جانورگونه و وحشی به شمار رفته است.

روشن است که هیچ کدام از انواع جانداران در مسیر تکامل طبیعی خود، قادر به تولید کتاب نشده‌اند و این امانت الهی تنها به نوع انسان اختصاص یافته است و در میان اصناف قومی و ملی این نوع نیز در کنش اجتماعی-فرهنگی، همگان قادر نشده‌اند که به تأدیة صحیح این امانت بپردازند و علم و معرفت را که از هسته هستی و خالق متعال خود پذیرفته‌اند، همه اقوام و ملل نتوانسته‌اند از مرحله قوه گذر دهند و آن را با اراده معطوف به کمال خویش، فعلیت بخشند.

### کتاب، شاخص توسعه

میراث مکتوب، بارزترین شاخص توسعه ملت‌ها و اقوام جهان است و کتاب هسته مرکزی این توسعه است. با توجه به کمیت و کیفیت تولید کتاب هر ملتی، درجه توسعه یافتگی و پیشرفت و یا عدم توسعه و واپس ماندگیش را به دقت می‌توان اندازه‌گیری کرد و در میان یک ملت نیز در هر نسل سطح تولید کتاب، نمایه توسعه فرهنگی آن نسل است که به نوبه خود، اساس هرگونه توسعه دیگری است.

### راه انتقال فرهنگ

همواره انتقال فرهنگ نسل‌های پیشین به نسل‌های بعد به کمک اهرمی صورت می‌گیرد که «کتاب» نام دارد و مستقیم‌ترین و

مردی نسخه‌ای از تاریخ طبری را به‌عزیز بالله، خلیفه فاطمی مصر، عرضه کرد. وی با اینکه بر طبق گزارش کتابدارانش بیش از بیست نسخه در کتابخانه خلافتی از این متن موجود داشت که یکی از آنها دست‌نوشته مؤلف بود، آن را به صد دینار (هر دینار: ۴/۵ گرم طلا) خریداری کرد (نک: مقریزی، الخطط، ۴۰۹/۱-۴۰۷). همچنین روزی در حضور همین خلیفه، سخن از کتاب الجمهرة تألیف ابن درید (د: ۳۲۱ ق/۹۳۳ م) رفت. وقتی که فهرست‌ها را نگریست، از آن در کتابخانه خود، صد نسخه موجود یافت (متز، رنسانس اسلامی 164).

عشق خلیفگان، وزیران، اعیان و سیاستمداران دولت‌های اسلامی در این دوره

شکوفایی علم و معرفت، در سرتاسر جهان اسلام، نسبت به گردآوری نسخه‌های دست‌نوشته مؤلفان، مقابله و تصحیح نسخه‌های مختلف متون و استنساخ و نشر فراگیر آنها به قدری زیاد بود که حتی آثار ملت‌های دیگر را نیز در برمی‌گرفت و پیوسته پیکه‌هایی تدارکاتی داشتند که از نقاط مختلف جهان به کار تهیه متون علم و معرفت می‌پرداختند و پس از تهیه آنها، از عالمان لایق و صلاحیت‌دار دعوت می‌کردند تا دست به کار ترجمه، تلخیص و توضیح و تفسیر آنها شوند و بسیاری وقت‌ها خود این بزرگان نیز در محفل‌های پژوهش شرکت می‌کردند و از نزدیک به نکوداشت دانشمندان می‌پرداختند، چنان که‌عزیز و وزیرش، ابن کلس، هر شب جمعه در کاخ‌های خود، چنین محفلی را برپا می‌داشتند (نک: ابن خلکان، وفيات الأعیان، ۴۴۰/۲).

#### اندلس، محفل تصحیح متون و توسعه

در اندلس نیز خلیفگان به سراسر جهان و به مراکز فرهنگی عالم اسلام، نمایندگان برای دستیابی به متون گرانبها گسیل می‌کردند و دربارشان یک محفل تصحیح متون به‌شمار می‌رفت (قاضی صاعد اندلسی، التعریف بطبقات الامم، ۲۴۳-۲۳۸؛ متز، رنسانس اسلامی، ۱۶۴؛ نیکلسون، تاریخ ادبیات عرب، 419). عبدالرحمان سوم ملقب به الناصر (حک: ۳۰۰-۳۵۰ ق/۹۱۲-۹۶۱) بسیار جانب اهل علم و ادب و هنر را نگره می‌داشت و با تشویق فرزندان موجبات رونق ادبیات و علوم و فنون را فراهم می‌آورد. به مترجمان متون یونانی و لاتینی هم مبالغی هنگفت می‌پرداخت. در کنار جامع

قرطبه دانشگاهی پی‌افکند و با این کار وی قرطبه چنان برچکاد معرفت عصر برآمد که به بغداد و قسطنطنیه پهلو می‌زد، به طوری که این هر سه شهر در کنار هم مرکزهای فرهنگی - دانشگاهی جهانی در آن عهد به‌شمار می‌رفتند (قاضی صاعد اندلسی، همانجا؛ کیلانی، نظرات فی تاریخ الأدب الأندلسی، ۱۹۱-۱۹۰؛ شکعه، الأدب الأندلسی، ۲۶-۳۶). در این دوران در اندلس فقط قرطبه از عمران و توسعه علمی و پیشرفت فرهنگی برخوردار نبود، بلکه در سرتاسر اندلس هم فرهنگ سایر شهرها نیز رو به رشد و توسعه و پیشرفت نهاده بود و همه از برنامه‌های توسعه و عمران و از توجه ویژه حکومت بهره‌مند می‌شدند؛ از قبیل: اشبیلیه، غرناطه، طلیطله، بلنسیه، المریه، بطلیوس و حتی جزایر نزدیک سواحل اندلس، نظیر:



میورقه، منورقه و... نیز پیوسته در امور پژوهشی و تولید فرهنگی نقش می‌آفریدند.

#### نقش بخش خصوصی در توسعه تحقیقات

البته فقط نقش دولت در این پیشرفتها چشمگیر نبوده است، بلکه بخش خصوصی نیز که در این دوران از نعمت تراکم ثروت بهره‌مند بودند، در امر تراکم فرهنگی نیز نقش آفرینی می‌کردند، چنانکه در بیشتر کاخ‌های ثروتمندان در همان زمان به تقلید از کاخ‌های خلافتی، کتابخانه و انجمن‌های علمی و ادبی و تحقیقاتی نیز دایر بود (همانجاها).

#### خلیفه‌ای که عاشق گردآوری و تصحیح متون بود

حکم دوم، ملقب به المستنصر بالله (۳۶۶-۳۵۰ ق/۹۷۷-۹۶۱ م) به مجرد رسیدن به خلافت پیکه‌هایی به نقاط مختلف در خاور نزدیک، همچون اسکندریه، قاهره، بغداد و دمشق فرستاد و به آنها مأموریت گردآوری و استنساخ متون علوم قدیم و جدید را واگذار کرد (نک: قاضی صاعد، التعریف، ۲۴۱). در نتیجه این کار، کتابخانه کاخ وی بالغ بر ۴۰۰۰۰ جلد کتاب دارا شد و او در این کتابخانه، ماهران در نسخه برداری و صحافی را گرد آورد و چنان که از ابن حزم نقل کرده‌اند، تنها فهرست کتاب‌های موجود، ۴۴ جلد می‌شد و هر جلد هم شامل ۵۰-۲۰ ورق بود (کیلانی، نظرات فی تاریخ الادب الاندلسی، ۲۲۶-۲۲۵) به گفته قاضی صاعد، حکم دوم از دوره ولیعهدی و سپس در

دوره حکومت خود عاشقانه و به افراط به امر جمع‌آوری متون می‌پرداخت، به طوری که در این مدت، وی در گنجینه‌های کتب خود به اندازه تمام آنچه که خلیفگان عباسی در زمانهای طولانی گرد آورده بودند، فراهم آورد و اساساً به نظر قاضی صاعد عصر حکم دوم، دوران اوج تاریخ علم و معرفت و توسعه فرهنگی در شبه جزیره ایبریا به شمار می‌رود (ص ۲۴۲) و معروف است که وی برای ابوالفرج اصفهانی دو هزار دینار فرستاد، تا وی نسخه‌ای از متن کتاب الاغانی خود را قبل از نشر در عراق، برای وی بفرستد.

همین کار را نیز با ابوبکر ابهری مالکی در ارتباط با کتاب وی به نام شرح مختصر ابن عبدالحکم انجام داد و در روزگار وی دانش‌پژوهان و دانشجویان از سراسر اروپا، آفریقا و آسیا، آهنگ دانشگاه قرطبه می‌کردند؛ به طوری که تعداد دانشجویان در قرطبه پیوسته بالغ بر ۵۰۰۰ و ۶۰۰۰ نفر می‌شد (نک: ابن بشکوال، الصلة فی أئمة الأندلس، ۳۵۴/۱، کیلانی، نظرات فی تاریخ الأدب الأندلسی، ۲۲۷-۲۲۸).



### تأسیس مدارس ویژه

در دوره این امیر فرهیخته دانا، کتاب دوست و کتابخوان، تمامی شاخه‌های علوم و معارف در اسپانیا گسترش یافت و او مدارس فراوانی، علاوه بر مدرسه‌های پیشین احداث کرد، به طوری که همه اهالی از نعمت خواندن و نوشتن بهره‌مند شده بودند و با این وصف هنوز وی خرسند نبوده طالب انتشار و گسترش بیشتر علم و معرفت بود؛ از این جهت و به منظور اشاعه علم و فرهیختگی در میان طبقات و اقشار کم درآمد، به خصوص در پایتخت، مدارس تأسیس کرد که

معلمان آنها از خود وی حقوق دریافت می‌کردند و شاگردان نیز در آنها به رایگان و با استفاده از کمک هزینه تحصیلی به کسب معرفت مشغول بودند (کیلانی، نظرات فی تاریخ الأدب، ۲۲۹)

### تصحیح متون در ایران و شرق اسلامی

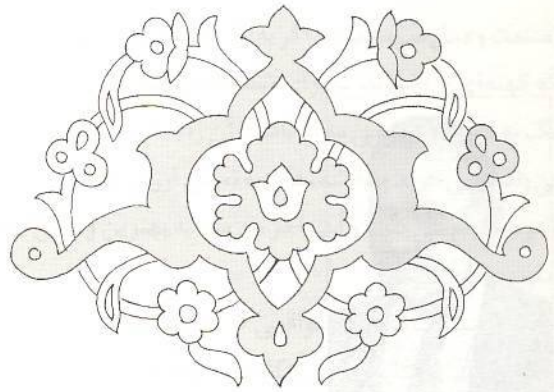
در همان حال در ایران و کشورهای شرق اسلامی نیز کتابخانه‌های دولتی و بخش خصوصی بسیار فعال و پیوسته مشغول تولید کتاب و تصحیح متون و نقد و تعلیق و مقابله آنها بودند (نک: یاقوت، معجم الادباء، ۳۱۵/۲؛ امین، ضحی الإسلام، ۵۹/۲) و علاوه بر سیاست تشویقی خلیفگان در این زمینه‌ها، وزیران و اعیان سیاستمدار نیز عشقی وافر در این باب از خود ابراز می‌داشتند و همواره با خدمت به عالمان و پیگیری سیاست توسعه ذخیره‌های فرهنگی، برای خود در میان مردم مسلمان کسب عزت و احترام می‌کردند. در این قلمرو نیز دانشمندان بزرگی بودند که کتابخانه‌های شخصی بزرگی داشتند و کتابخانه‌های آنان از لحاظ کثرت موجودی، دست کمی از کتابخانه‌های خلافتی نداشتند و در میان ایشان از افراد دانشمندی، همچون: جاحظ (۲۵۴-۱۵۸ ق/۸۶۸-۷۷۵ م)، فتح بن خاقان (د: ۲۴۷ ق/۸۶۱ م)، صاحب بن عبّاد (د: ۳۸۵ ق/۹۹۵ م)، قاضی اسماعیل بن اسحاق و... می‌توان نام برد.

### کتابخانه‌ای سیار بر پشت چهارصد شتر

یاقوت (همانجا) درباره صاحب بن عبّاد گزارش می‌دهد که نوح بن منصور سامانی، در پنهان، برایش پیغام فرستاد و با وعده بخششهای کلان او را به نزد خود فراخواند، اما ابن عبّاد نپذیرفت و از جمله در جواب وی چنین نوشت: «... چگونه روا باشد که از گروهی جدا شوم [منظور کتابهایش می‌باشند] که ارجمندیم با آن اوج گرفته و نامم از آنان بر سر زبانها افتاده است؟ من چگونه می‌توانم این همه ثروت‌های خودم را، با این قدر سنگینی که دارند، با خود بکشانم؟ فقط متون علمی و کتابهایم را چهارصد نفر شتر یا بیشتر حمل می‌کنند!» یاقوت افزوده است که فهرست کتابهای ابن عبّاد ده مجلد بوده.

### یک مقایسه از آدم متز

متز (P. 164) به مقایسه پیشرفت علمی مسلمانان با فقر فرهنگی کشورهای اروپایی در آن زمان پرداخته و گفته است که در همان حال (قرن سوم هجری / نهم میلادی) کتابخانه کنستانس، فقط ۳۵۶ جلد و کتابخانه بامبرگ از توابع باواریا، فقط ۹۶ جلد کتاب داشت،



است و امید می‌رود که بتواند گام‌هایی سترگ در مسیر توسعه فرهنگی پایدار بردارد. دفتر علاوه بر عنایت به «تصحیح و نشر متون» فصلنامه آینه میراث را نیز ویژه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و اطلاع‌رسانی در حوزه متون انتشار می‌دهد و پیوسته از منتقدان گرامی، کتاب‌شناسان بزرگوار، مصححان ارجمند و از همه فرهیختگان صاحب رأی در این حوزه، تقاضا دارد، آرا، آثار، اندیشه‌ها، راهنمایی‌ها و مقاله‌های خود را برای انعکاس و انتشار در اختیار دفتر قرار دهند و این دفتر را که در حقیقت متعلق به خود ایشان است، همواره از موهبت همکاری‌های صمیمانه خویش بهره‌مند سازند.



#### مآخذ:

۱. ابن بشکوال، خلف بن عبدالملک، الصلة في أئمة الأندلس، به کوشش عزت العطار الحسینی، قاهره، ۱۹۵۵ م.
  ۲. ابن خلکان، شمس‌الدین احمد، وفيات الأعيان، به کوشش احسان عباس، دار الثقافة، ۱۹۷۷ م.
  ۳. امین، احمد، ضحی الإسلام، قاهره، لجنة التألیف والترجمة والنشر، بی، تا.
  ۴. شکعه، مصطفی، الأدب الإسلامي، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۳ م.
  ۵. قاضی صاعد اندلسی، ابوالقاسم صاعد بن احمد، التعریف بطبقات الأهم، به کوشش غلامرضا جمشیدنژاد اول، تهران، دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۶ ش.
  ۶. کیلانی، کامل، نظرات فی تاریخ الأدب الاندلسی، قاهره، المكتبة التجارية، ۱۳۴۲ ق/۱۹۲۴ م.
  ۷. مقدسی، ابو عبدالله محمد، أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، لیدن، ۱۹۱۹ م.
  ۸. مقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی، المواعظ و الاعتبار بذکر الخطط و الآثار، بولاتی، بی تا.
  ۹. یاقوت، شهاب‌الدین ابو عبدالله الحموی، معجم الأديباء، مصر، المطبعة الهندیة، ۱۹۶۹ م.
- و نیز:

10. MEZ, A., *Die Renaissance des Islams*, Heidelberg, 1922.

11. NICHOLSON, R., *Literary History of The Arabs*, London, 1907



در حالی که کتابخانه‌های مأمونیان خوارزم، سامانیان، آل بویه و مخصوصاً عضدالدوله دیلمی (د: ۳۷۳ ق/ ۹۸۳ م) در ری که مقدسی به وصف آن پرداخته (ص ۴۴۹)، کتابخانه خلافتی در بغداد، کتابخانه دولت فاطمی در مصر و کتابخانه خلافتی اندلس در قرطبه هر کدام بیش از چند صد هزار جلد کتاب را در خود جای داده بودند (همانجا).

#### اکنون چه باید کرد؟

امروزه که جهان اسلام و ملت بزرگ ایران، دوران تجدید حیات خود را می‌گذراند و در پی دستیابی به توسعه پایدار و همه‌جانبه است، احیای میراث مکتوب، این بنیادی‌ترین ذخیره توسعه، بخصوص از راه تصحیح متون بر جای مانده از گذشته درخشان فرهنگی‌مان، ضرورت دارد. زیرا پس از بیرون آوردن آنها از زاویه‌های فراموشی و زدودن غبار غفلت از رویشان، خواهیم توانست از نقد محتوایی آنها و با الهام گرفتن از خردورزی‌های بزرگان فرهنگی‌مان، برای نسل معاصر که نسل عصر رایانه و فضاست، با زبان روز، خوراک فکری مناسب فراهم سازیم و محتوای ارزشمند آنها را در اختیار هنرآفرینان خود نیز قرار دهیم تا به شکلهایی همچون داستانهای کوتاه و بلند، فیلمنامه، نمایشنامه، فیلمهای کارتونی، نمایشهای عروسکی و... به طبقات گوناگون جامعه و به اقشار مختلف و مناسب با سطوح فکری و مقطعی سنی متفاوت آنها را عرضه کنند و از این طریق، مواد لازم برای تهیه کنندگان برنامه‌های رسانه‌های گروهی نیز فراهم آید تا بتوانند جامعه را با اندیشه‌های فرهنگ ناب خودمانی تغذیه کنند و...

#### فراخوان عام از فرهیختگان

دفتر نشر میراث مکتوب با توجه به همین ضرورت، شکل گرفته